



اعیان نجس

منظور از اعیان نجس یا اشیای ناپاک، اشیایی است که در شرع حکم به نجاست آنها شده است. به اعیان نجس، نجاست نیز گفته می‌شود.
[۱] . الشهبید الاول (محمد بن جمال الدین مکی العاملی)، الروفته البهیه فی شرح اللعة المشقیه، دار احیاء التراث الإسلامی، الجزء الاول، ص ۵۰ – ۴۸.
[۲] . مشقی پور، محمد رضا، روشی نوین در بیان احکام، تهران، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی راستان، ج ۲، ص ۸۵ تا ۴۴.

فهرست مندرجات

۱ - اقسام نجاست

۱.۱ - بول

۱.۲ - غائط

۱.۳ - منی

۱.۴ - خون

۱.۵ - عرق

۱.۶ - مینه

۱.۷ - سگ

۱.۸ - خوک

۱.۹ - کافر

۱.۱۰ - شراب

۲ - پانویس

۳ - منبع

اقسام نجاست

نجاست ده چیز است.

[۱] . الموسوی الخمینی، سید روح الله (امام خمینی)، تحریر الوسیله، قم، موسسه النشر الإسلامی، ص ۱۰۷ تا ۱۰۲.

[۲] . الطباطبائی البزیدی، سید محمد کاظم، العروة الوثقی، تهران، المكتبة العلمية الإسلامية، ج ۱، ص ۵۵.

← بول

بول یا ادرار هر حیوان حرام گوشتی که خون جهنده دارد - اعم از انسان و غیره - نجس است. در نجاست بول حیوانات حرام گوشت فرقی نیست بین آن که دریایی باشند یا صحرايي، کوچک باشند یا بزرگ، حرمت گوشت آنها ذاتی و بالاصالة باشد؛ مثل حیوانات درنده، یا عرضی باشد. مثل حیوان حلال گوشتی که نجاست خوار شده باشد. یا شیر خوک خورده باشد یا انسان با آن نزدیکی کرده باشد؛ بول غیر از آنچه گفته شد، پاک است.

← غائط

غایط یا مدفوع حکمش همان است که در بول گفته شد؛ یعنی غایط هر حیوان حرام گوشتی که خون جهنده دارد - با تفصیلی که در مورد بول گفته شد - نجس است.

← منی

منی انسان و هر حیوانی که دارای خون جهنده است، نجس می‌باشد.

← خون

خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد، نجس است؛ در نجاست خون، فرقی نیست بین آنکه زیاد باشد یا کم. برخی از فقها قائلند که نجاستی از قبیل بول و غائط و خون و مانند آن تا زمانی که در جوف و باطن بدن هستند، پلکاند.

← عرق

عرق، ممکن است عرق **جنب** از حلال باشد و یا عرق جنب از حرام باشد یا ممکن است به فرد غیر جنبی متعلق باشد. عرق جنب از حلال و عرق غیر جنب، حلال و عرق جنب از حرام نجس است. در نجاست عرق **جنب** از حرام فرقی نیست بین آنکه خروج عرق در حین **مقاربت** باشد یا بعد از آن، از مرد باشد یا از زن. ذکر این نکته ضروری است که در هر یک از فروع بیان شده، برخی **فقها** قائل به خلاف آن می‌باشند؛ نکته دیگر این که برخی فقها قائل هستند: عرق جنب از حرام **پلک** است. ولی **نماز** با بدن یا لباس آلوده به آن **جایز** نیست و برخی دیگر علاوه بر پلک دانستن عرق جنب از حرام، نماز با آن را نیز جایز می‌دانند.

تمام رطوبت و ترشحاتی که از بدن مسلمان زنده بیرون می‌آید، پلک است بجز بول، غائط، منی، خون و عرق جنب از حرام. بدین ترتیب **مُدّی**، **وَدّی**، **وَدّی**، ترشحات بانوان، آب دهان، آب چشم، آب بینی، رطوبت گوش، رطوبت مقعد و غیره در صورتی که با **نجاست** همراه نباشد، پلک است.

← میته

میته یا **مردار**، جسد انسان و یا حیوانی است که به سبب غیر **شرعی** مرده و **روح** از تمام بدنش خارج شده است، اعم از آنکه خود، مرده باشد یا با ذبحی غیر شرعی کشته شده باشد. میته انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد و نیز میته اجزای روح دار آنها، نجس است.

← سگ

سگ خشکی نجس است و در این جهت فرقی بین اقسام آن از سگ شکاری، گله، پاسبان، پلیس، خانوادگی و ولگرد نیست. هم چنانکه در جهت مزبور فرقی بین رطوبت حیوان و غیر آن و نیز اجزای روح دار و بی روح آن وجود ندارد. سگ دریایی یا آبی (یا **بیدستر** که حیوانی است پستاندار از راسته جونگن) پلک است.

← خوک

خوک **نجس** است و در نجاستش فرقی بین خوک اهلی و وحشی نیست. هم چنانکه در این جهت فرقی بین رطوبت حیوان و غیر آن و نیز اجزای روح دار و بی روح آن نیست. خوک دریایی پلک است. بنابر آنچه گفته شد سگ و خوک خشکی و تمام اجزای آنها نجس است.

← کافر

منظور از کافر در اینجا در مقابل مسلم (**مسلمان**) است یعنی کسی که از آیین **اسلام** بی اطلاع است یا در آن تردید دارد و یا **منکر** آن است. نظر برخی از فقها و از جمله برخی فقهای معاصر و دیگران بر این است که **اهل کتیب** مانند **یهود** و **نصاری** پلکاند.

← شراب

ققاح و هر نوع **مسکری** که به خودی خود مایع و روان باشد، نجس است. لازم به ذکر است که **عصیر عنبی** (فشرده انگور) نیز هرگاه به جوش آید تا زمانی که دو سوم آن تبخیر نشده باشد، **نجس** است خواه به خودی خود یا با حرارت هوا یا خورشید جوش آمده باشد و خواه با حرارت آتش، و نیز خواه **مست کننده** باشد و خواه نباشد.

[۱۵]. الطباطبائی الیزدی، سید محمد کاظم، العروة الوثقی، تهران، المكتبة العلمية الإسلامية، ج ۱، ص ۵۵.

پانویس

۱. ↑. الشهيد الاول (محمد بن جمال الدین مکی العاملی)، الروفته البهیه فی شرح اللمعة الدمشقیه، دار احیاء التراث الإسلامی، الجزء الاول، ص ۵۰ - ۴۸.

۲. ↑. مشفق پور، محمد رضا، روشی نوین در بیان احکام، تهران، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی راستان، ج ۲، ص ۸۵ تا ۴۴.

۳. ↑. الموسوی الخمینی، سید روح الله (امام خمینی)، تحریر الوسیله، قم، موسسه النشر الإسلامی، ص ۱۰۷ تا ۱۰۲.

۴. ↑. الطباطبائی الیزدی، سید محمد کاظم، العروة الوثقی، تهران، المكتبة العلمية الإسلامية، ج ۱، ص ۵۵.

۵. ↑. الطباطبائی الیزدی، سید محمد کاظم، العروة الوثقی، تهران، المكتبة العلمية الإسلامية، ج ۱، ص ۵۵.

